



تأثیر داستان‌های فلسفی به روش بحث گروهی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه
ششم ابتدایی شهرستان کامیاران
الهام عرفانی‌آداب^{۱*} و طیبه عرفانی‌آداب^۲

The Effect of Philosophical Stories by Group Discussion Method on the
Development of Moral Judgment of Sixth Grade Elementary Students in
Kamyaran

Elham Erfaniadab^{1*} and Tayebe Erfaniadab²

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of philosophical stories through group discussion on the development of moral judgment of sixth grade elementary students in Kamyaran. The statistical population of this study consisted of all sixth grade elementary students in Kamyaran, Kurdistan, from among whom 40 students (20 in the control group and 20 in the experimental group) were selected. Ethical Judgment Test (MJT) was used to collect data. Data were analyzed using one-way analysis of covariance (ANCOVA). The results showed that philosophical stories by group discussion method had a positive effect on the development of moral judgment of sixth grade elementary students in Kamyaran. It also had the same effect on the development of moral judgment of both girls and boys and no significant difference was observed between them. Moreover, it was found that the treatment accounted for 26 percent of the variation of moral judgement development. Therefore, it is suggested that elementary school teachers use philosophical stories with ethical themes to help develop moral judge of the students.

Keywords: Philosophical stories, group discussion, moral development, moral judgment

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر داستان‌های فلسفی به روش بحث گروهی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان کامیاران بود که با روش شبه آزمایشی و طرح مقایسه گروه‌ها انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه ششم ابتدایی شهرستان کامیاران بودند، که از بین آنها ۴۰ نفر دانش‌آموز در دو کلاس ۲۰ نفره انتخاب شدند و به صورت تصادفی یکی از کلاس‌ها به عنوان گروه آزمایش و یکی از کلاس‌ها به عنوان گروه گواه قرار گرفتند. جهت جمع‌آوری داده‌ها، از آزمون قضاوت اخلاقی (MJT) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس یک متغیره (ANCOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که داستان‌های فلسفی به روش بحث گروهی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان کامیاران تأثیر مثبتی داشته است ($f = 17/59$ و $p < 0/05$). همچنین روش آموزشی قادر است ۲۶ درصد از تغییرات متغیر رشد اخلاقی را تعیین کند. همچنین داستان‌های فلسفی بر رشد قضاوت اخلاقی هر دو جنس دختر و پسر تأثیری یکسان داشته و تفاوت معنی‌داری بین آن‌ها مشاهده نشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود معلمان دوره ابتدایی جهت رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان از داستان‌های فلسفی با مضمون‌های اخلاقی استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی: داستان‌های فلسفی، بحث گروهی، رشد اخلاقی، قضاوت اخلاقی

1. PhD. in educational psychology, staff of the education department, Farhangian University, Hamedan, Iran.

2. Deputy minister of education, Education administration of Kamyaran, Kurdistan, Iran.

۱. دکترای روانشناسی تربیتی، کارشناس آموزش دانشگاه فرهنگیان، همدان، ایران

۲. معاون پرورشی، آموزش و پرورش شهرستان کامیاران، کردستان، ایران

*Corresponding Author, Email: erfani.er88@gmail.com

* نویسنده مسئول:

مقدمه

توجه به رشد اخلاقی و قضاوت اخلاقی مردم از جنبه‌های نظری و عملی را می‌توان در متون فلاسفه، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان مشاهده کرد (پاسینی^۱، ۲۰۱۰). در حالی که روانشناسی اخلاقی انسان دارای مؤلفه‌های بسیاری است - از جمله انگیزه، تصمیم‌گیری و عمل (می، ورکمن، هاس و هن^۲، ۲۰۲۲) تمرکز ما به طور خاص بر قضاوت اخلاقی^۳ است. تروینو^۴ قضاوت اخلاقی را به عنوان فرایند شناختی می‌داند که فرد تعیین می‌کند آیا یک عمل از نظر اخلاقی صحیح است یا غلط. تصمیم‌گیری بین درست و غلط و استدلال فرد، عنصری حیاتی در مرحله قضاوت اخلاقی است؛ زیرا اگر افراد انتخاب اخلاقی واقعی از درست و نادرست نداشته باشند، قضاوت‌های آنان نمی‌تواند اخلاقی باشد (موسباح^۵، ۲۰۱۵).

پیاژه^۶ (۱۹۳۲) و کلبِرگ^۷ (۱۹۶۹) معتقدند نظریه‌های روان‌شناختی درباره اخلاق عمدتاً حول این سوالات شکل گرفته‌اند: چگونه، در چه سنی و با چه ساز و کاری قوای اخلاقی کودک شکل می‌گیرد و تغییرات مفاهیم اخلاقی چگونه بر پایه استدلال قرار می‌گیرد. آنها با تکیه بر استدلال‌های اخلاقی کودکان، مطالعه تجربی رشد اخلاقی را آغاز کردند. آنها علاقمند بودند تا چگونگی سازگاری اجتماعی و انطباق با هنجارهای اجتماعی را شناسایی کنند (به نقل از اوپوتو^۸، ۲۰۰۷). کلبِرگ رشد اخلاقی را در شش مرحله و سه سطح تقسیم‌بندی کرده است. سطوح پیش‌عرفی، عرفی و پس‌عرفی که هر کدام دارای دو مرحله‌اند. در سطوح مختلف، ملاک قضاوت پاداش و تنبیه، قراردادهای اجتماعی و معیارهای انسانی هستند کلبِرگ برای سنجش رشد اخلاقی از داستان هاینز استفاده می‌کرد و بر اساس چگونگی استدلال‌های افراد برای موقعیت‌های تعارض‌آمیز داستان، مراحل رشد اخلاقی آنها را معین می‌کرد (به نقل از پاسینی، ۲۰۱۰). استدلال کودک بر پایه استقلال و یا همکاری زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری آینده کودک است. فاصله کودک از خودمحوری به دگرمحوری موجب درک عقاید و احساسات دیگران است. از دید کلبِرگ استدلال جهان‌شمول اخلاقی برگرفته از چهار جزء قضاوت اخلاقی و بر اساس جهت‌گیری هنجاری، جهت‌گیری عملی، جهت‌گیری ایده‌آل و هماهنگ با صداقت و عدالت است (جوتیک^۹، ۲۰۱۴).

امروزه برخی صاحب‌نظران با توجه به نقش مؤثر آموزش فلسفه در تربیت اخلاقی کودکان، سخن از «آموزش فلسفه انتقادی برای کودکان» به میان آورده‌اند (فانستون و سیجر^{۱۰}، ۲۰۱۷). آموزش

1. Passini
2. May, Workman, Haas, & Han
3. Moral judgment
4. Trevino
5. Musbah
6. Piaget
7. Kohlberg
8. Opatow
9. Jevtic
10. Funston & Sager

فلسفه انتقادی برای کودکان بر آن است تا اولاً، فلسفه را از موقعیت انتزاعی خارج سازد و به داخل اجتماع ببرد. ثانیاً، رویکردی نو به نظام تعلیم و تربیت ارائه می‌دهد تا مشکلات و ضعف‌های بنیادی نظام تعلیم و تربیت رایج را که مدت‌هاست غیرقابل درمان به نظر می‌رسد، با تغییرات زیربنایی در ساختار آن، رفع کند (جکوآرت و رایت^۱، ۲۰۱۷). فلسفه برای کودکان در حقیقت همان آموزش برای تفکر است. به همین منظور می‌توان از داستان‌های فلسفی با مضامین اخلاقی بهره جست. داستان‌ها با مضامین متنوع محتوایی تسهیل‌گر مناسبی برای ایجاد تفکر در کودکان می‌باشند (اکبری و خالق‌خواه، ۱۳۹۲). کودک با همزادپنداری با شخصیت داستان همراه شده و بسیاری از مفاهیم را بصورت غیرمستقیم و به دور از مقاومت‌های آموزش مستقیم می‌آموزد. داستان راه تعامل بزرگسالان با کودکان را هموار می‌کند، و در عین افزایش قدرت تفکر، آن‌ها را با رفتارها و مسائل اجتماعی آشنا می‌سازد (کوکبی، حری و مکتبی‌فرد، ۱۳۸۹). این داستان‌ها به منزله ابزار اصلی آموزش می‌توانند مهارت‌های شناختی و توانایی پرسش‌گری را در کودک افزایش دهند و در نتیجه او را در ارزیابی استدلال‌ها، درک روابط علت و معلولی، کشف و تحلیل مفاهیم، و هم‌چنین نتیجه‌گیری درست از رویدادها یاری کنند (رشتچی، ۱۳۸۹). داستان‌ها موقعیت گفت‌وگو را فراهم می‌کنند، قدرت پرسشگری را بالا می‌برند، و حتی اگر پاسخی برای آن پرسش‌ها یافت نشود، موجب حیرت کودکان می‌شوند. وظیفهٔ معلمان در کلاس فراهم کردن محیطی است که در آن ایده‌ها شنیده شوند و مورد احترام قرار گیرند. بحث و گفت‌وگوی حاصل از خواندن داستان پاسخ به پرسش‌هایی است که نیاز به تأمل اصیل و تفکر انتقادی دارند (رشتچی، ۱۳۸۹).

در زمینه تأثیر داستان و آموزش فلسفه بر رشد تفکر و استدلال و قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان تا کنون پژوهش‌های متعددی انجام شده است. به عنوان مثال کاراداگ و دمیرتاس^۲ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر برنامه فلسفه به کودکان بر رشد مهارت تفکر انتقادی کودکان پیش‌دبستانی پرداختند و نتایج نشان داد مهارت تفکر انتقادی کودکان در مرحله پیش‌آزمون کم و بعد از ارائه آموزش و اجرای پس‌آزمون بالا بود و آموزش فلسفه به کودکان بر رشد تفکر انتقادی کودکان تأثیر معناداری داشت. موریس^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر روی شکل‌گیری کودک ایده‌آل فیلسوف نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند در شکل‌گیری باورهای فراشناختی مثبت و نیز باورهای منطقی در کودکان مؤثر باشد. در پژوهش دی ماسی و سانتی^۴ (۲۰۱۶) با عنوان یادگیری تفکر آزادمنشانه (دموکراتیک) با استفاده از آموزش فلسفه برای کودکان مشخص شد که با استفاده از آموزش فلسفه برای کودکان، دانش‌آموزان قادر به اندیشیدن به سبک تفکر آزادمنشانه در فرآیند تصمیم‌گیری هستند و نیز می‌توانند باورهای فراشناختی خود را

1. Jacquart, Wright

2. Karadağ & Demirtaş

3. Murriss

4. Masi & Santi

بهبود بخشند. به طور یقین شکل‌گیری گرایش و نگرش مثبت به انتقادی اندیشیدن از باورها و ارزش‌های فرهنگی جامعه تأثیر می‌پذیرد. بارو^۱ (۲۰۱۵) نیز فرایند مشارکت استدلالی ۲۲ کودک ۹ و ۱۰ ساله را در یک دوره سه ماهه مورد بررسی قرار داد. این پژوهش کیفی تغییر چارچوب‌های آموزشی سنتی را با الگوهایی روزمره مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و اظهار نظر مشارکتی در جریان یادگیری و گفت‌وگوی صحیح و اقتدار و اعتبار معرفتی فرصت‌های جدید لذت از آموزش را برای آنها پدید می‌آورد. تاپنک و تریکی^۲ (۲۰۱۴) نیز گفت‌وگوی تعاملی در ۱۸۰ کودک ۱۰ ساله ابتدایی در اسکاتلند را مورد بررسی قرار داد و از کمیت و کیفیت فیلم‌های ضبط شده کلاس درس با شیوه استدلالی و افزایش مقدار محاوره معلم-دانش‌آموز و میزان محاوره دانش‌آموز - دانش‌آموز بعد از هفت ماه دریافت که تعامل فلسفی جنبه‌های اجتماعی و عاطفی یادگیری را نیز بهبود می‌بخشد. هم‌چنین توانایی تفکر بر ویژگی‌های اخلاقی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان توسط الت و ریف^۳ (۲۰۰۸)، مورد بررسی قرار گرفت. آنان با ارائه داستان‌هایی با مضامین فلسفی و اخلاقی، به مقایسه قضاوت‌های اخلاقی سه گروه پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که ویژگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان هر سه گروه، به شدت تحت تأثیر توانایی تفکر آنان قرار گرفته است. در پژوهشی که سنجانا و وایتبرید^۴ (۲۰۰۵) بر روی ۵۰ کودک (۲۶ پسر و ۲۴ دختر) ۱۲ و ۱۳ ساله، برای سنجش تأثیر آموزش فلسفه بر پیشرفت اخلاق و روابط اخلاقی انجام دادند، مشخص شد که برنامه آموزش فلسفه به کودکان، تأثیر مثبت بر ابعاد اجتماعی و عاطفی کودکان داشته و باعث پیشرفت آنان در زمینه رفتارهای اخلاقی مقبول در اجتماع گردیده است. رزنیس کایا^۵ (۲۰۰۳) به بررسی تأثیر مباحث فلسفی به روش اجتماع پژوهشی، بر قضاوت اخلاقی کلاس درس مدارس ابتدایی، پرورش مهارت‌های استدلالی و نگرش‌های اخلاقی پرداخت. وی به این نتیجه دست یافت که کنش‌های مکالمه‌ای و مباحث فلسفی بر روی گروه شرکت‌کننده در کلاس کاوشگری فلسفی، تأثیر بسزایی در افزایش مهارت‌های استدلالی و قضاوت‌های اخلاقی آنها داشته است. به طوری که گروه مذکور در عملکردهای اجتماعی و یادگیری‌های فردی نیز، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای از خود نشان دادند.

در ایران نیز نویدیان، واحدی، فتحی‌آذر، بدری گرگری (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستان‌های بومی در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مریوان پرداختند و نتایج نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر تأثیر مثبت و معناداری دارد و تفاوت معناداری بین گروه دختر و پسر مشاهده نشد. در پژوهش دیگری فلاح مهنه، یمینی و مهدیان (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر رویکرد محتوایی آموزش فلسفه برای کودکان بر باورهای فراشناختی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان ابتدایی دریافتند داستان‌های فلسفی

1. Barrow
4. Topping, &Trickey
3. Olthef & Rieffe
4. Sanjana & Whitebread
5. Reznitskaya

کتاب مولوی، عنصرالمعالی، سنایی، منشی و جامی بر بهبود تفکر انتقادی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی تاثیر معناداری دارد. جعفری، صمدی و قائدی (۱۳۹۴) در پژوهشی دریافتند که آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش بعد شناختی (کنجکاوی، پرسشگری، استدلال کردن، تفکر انتقادی، خلاقیت، علاقه به آزمایش و تجربه) و بعد عاطفی (علاقه به نظم و ترتیب، اشتیاق، مشارکت جویی، استقلال رای، اعتماد به نفس، ابراز وجود) روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش‌دبستانی تاثیر دارد و به طور کلی اجرای این برنامه بر پرورش روحیه پژوهشگری این کودکان تاثیرگذار بوده است. عسگری، دیناروند و ترکاشوند (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر آموزش فلسفه بر تفکر منطقی دانش‌آموزان پرداختند و نتایج نشان داد آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر منطقی دانش‌آموزان دختر و پسر سوم راهنمایی منطقه سامن تاثیر دارد. شوشتری، صفایی‌مقدم و مرعشی (۱۳۹۲) در پژوهشی به مقایسه دیدگاه‌ها پیازه و لیپمن در خصوص آموزش فلسفه به کودکان پرداختند. در هر دو این دیدگاه‌ها اگرچه بر ضرورت آموزش تفکر و مناسب‌سازی سطح آموزش با توانایی کودک توصیه می‌کنند و لیکن در زمان آغاز این آموزش‌ها اختلاف نظر وجود دارد که همین پیش‌فرض بر لزوم تغییر نگرش و تجدید نظر بر ارائه روش‌های جدید کاهش انفعال کودکان تاکید می‌ورزد. محتوای کتاب داستانی نیز در ادوار تاریخی مورد پژوهش بوده است. خاکپور و مهرآفرید (۱۳۹۱) قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی پنج و شش ساله شهر فاروج را با استفاده از مصاحبه بالینی و چهار داستان اخلاقی (دروغ، خسارت مادی، دزدی، و عدالت) مورد بررسی قرار دادند و نتایج حاکی از آن بود که میزان توجه به قصد و نیت با افزایش سن افزایش می‌یابد و میزان توجه به نتیجه و اثر کار با افزایش سن کودک کاهش می‌یابد. این یافته‌ها پژوهش پیازه را تایید می‌نمود ولی پسران در رشد اخلاقی جلوتر از دختران بودند. هدایتی (۱۳۹۰) با آموزش فلسفه به کنترل رفتارهایی چون پرخاشگری به بررسی واکنش‌های هیجانی در پیامدهای فردی و اجتماعی پرداخت. از آنجایی که به دلیل فقدان کفایت در قوه استدلال کودک ممکن است دچار ناکامی در خود ابرازگری، دوگانگی و تضاد درونی شود بنابراین ایجاد فضایی دوستانه و تفکر برانگیز، که در آن گوش دادن به سخن همدیگر ارزش تلقی می‌شود، منجر به ارتقای قدرت استدلال و داوری کودک می‌شود، و می‌تواند در پیشگیری از پرخاشگری بسیار موثر باشد. مرعشی، صفایی‌مقدم و خزامی (۱۳۸۹) با بررسی تاثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع-پژوهشی، بر رشد قضاوت اخلاقی ۱۲۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز دریافتند که این آموزش بر رشد قضاوت اخلاقی تاثیر مثبتی داشته است و این تاثیر در هر دو جنس دختر و پسر یکسان بوده است. این آموزش بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان نیز موثر است. نتایج این تحقیق نشان داد که این آموزش بر ابعاد شناختی همچون کنجکاوی، پرسشگری، استدلال کردن، تفکر انتقادی، خلاقیت و علاقه به آزمایش و تجربه و ابعاد عاطفی چون علاقه به نظم و ترتیب، اشتیاق، مشارکت جویی، استقلال رای، اعتماد به نفس و ابراز وجود این کودکان موثر

است. مکتبی‌فرد (۱۳۸۹) با استفاده از روش تحلیل محتوا، میزان مهارت‌ها و مولفه‌های تفکر انتقادی را در داستان‌های تالیفی برای کودکان در بازه زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار داده است؛ که در محتوای کتب، مولفه‌های استلزامات و پی‌آمدها، اطلاعات، داده، شاهد، تجربه، هدف، قابلیت‌های استدلال اخلاقی نسبت به سایر مولفه‌ها بیشتر دیده شده است و ضعیف‌ترین مولفه‌ها نیز پیش‌فرض‌ها، اطمینان در تفکر، نظرات و استنباط‌ها و تفاسیر بوده است. در این پژوهش عمده رشد داستان‌ها به لحاظ مولفه‌های تفکر انتقادی صرف‌نظر از رشد مقطعی دهه چهل، در آثار دهه هشتاد دیده شده است. در پژوهش شیخ‌رضایی (۱۳۸۹) رشد اخلاقی کودک و ادبیات داستانی از منظر رشد اخلاقی مورد تحقیق قرار داده شده است و پیوند اخلاق و ادبیات داستانی از منظر نظریه‌های قالب روانشناسی برای سنجش و ارزیابی مورد استفاده قرار گرفته است و شیوه تدوین سوالات از آثار داستانی به منظور تامل اخلاقی کودکان و نوجوانان پیشنهاد شده است.

آموزش فلسفه از طریق داستان و بحث گروهی باعث می‌شود تا دانش‌آموزان با توجهی مخصوص (احترام)، به سخنان یکدیگر گوش فرا دهند، به آرای یکدیگر چیزی اضافه کنند، حرف‌های یکدیگر را زیر سؤال ببرند تا دلایلی برای سایر عقاید تأیید نشده و بی‌پشتوانه فراهم آورند. همچنین، دانش‌آموزان تلاش می‌کنند بحث را تا جایی ادامه دهند که به نتیجه برسند، نه تا جایی که خط مرز مقررات درسی انشاء نمایند. لذا در این رویکرد، گفت‌وگویی شکل می‌گیرد که به سوی مطابقت با منطق پیش می‌رود. در حقیقت، وقتی این روند در شرکت‌کنندگان درونی شد، یا ناخودآگاه به آنها منتقل شد، آنها به این فکر خواهند افتاد که در سایر امور زندگی، در مواجهه با اتفاقات واقعی و جدید، از چیزهایی که یاد گرفته‌اند، بهره ببرند (ناجی^۱، ۲۰۱۷). در نتیجه برنامه آموزش فلسفه به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا آنها ناهماهنگی موجود در بحث را شناسایی کرده و با تشخیص هماهنگی بین دو جمله نتیجه‌گیری منطقی کنند. در این صورت روحیه انتقادی و انتقادپذیری، در آنها به وجود آمده و می‌توانند خود و دیگران را داوری، نقد و ارزیابی نمایند و سرانجام با اتخاذ تصمیم‌ها یا انتخاب‌های بهتر در انتقاد از خود به سوی خود اصلاحی می‌روند (اصل‌مرز و همکاران، ۱۳۹۷). غالباً تفکر فلسفی مستلزم تفکر در مورد تفکر است. کودک یاد می‌گیرد که افکار خود را بررسی کند، انطباق افکار را با شواهد و مفروضات خود بیازماید و روابط آنها را با فعالیت‌های روزمره، مورد ارزیابی قرار دهد. در روش آموزش فلسفه به شیوه بحث گروهی، زبان ابزار لازم برای تفکر را فراهم می‌کند و با مشارکت و هم‌فکری در این جلسات آموزشی، قدرت قضاوت اخلاقی کودکان افزایش می‌یابد (هی هو^۲، ۲۰۱۴).

از آنجایی که جامعه امروز با بحران رشد اخلاقی مواجه است و عدم توجه به این مساله در جهت پیش‌گیری و ایجاد زمینه‌های رشد اخلاقی در کودکان و نوجوانان می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های

1. Najj
2. Hayhoe

جدی در حوزه اخلاق و انسانیت گردد و از آنجایی که آموزش ارزش‌های اخلاقی از همان دوران کودکی بایستی شروع شود تا بر زندگی آینده وی تاثیر مثبتی داشته باشد و چون کودکان تقریباً نیمی از زمان روز را در مدرسه می‌گذرانند بر همه متولیان امر آموزش است که به عنوان مدیر، معاون، دبیر، آموزگار و مشاور به آموزش فضایل و ارزش‌های اخلاقی متناسب با سن دانش‌آموزان بپردازند. در همین راستا محقق در این مطالعه تلاش نمود که به این سوال پاسخ دهند که آیا داستان‌های فلسفی^۱ به شیوه بحث گروهی می‌تواند منجر به رشد اخلاقی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان کامیاران شود؟

روش

این پژوهش به روش شبه‌آزمایشی و طرح مقایسه گروه‌ها انجام شد. نگراره طرح در زیر ارائه شده است:

E T₁ X T₂ (گروه آموزش)

C T₁ T₂ (گروه گواه)

T₁: پیش‌آزمون قضاوت اخلاقی T₂: پس‌آزمون قضاوت اخلاقی X: بازگ کردن داستان‌های

فلسفی به روش بحث گروهی

جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر و پسر پایه ششم مقطع ابتدایی شهرستان کامیاران بود که از بین آنها دو کلاس درس انتخاب شد. گروه آزمایش پژوهش یک کلاس در روستایی از شهرستان کامیاران بود که شامل ۱۰ دانش‌آموز دختر و ۱۰ دانش‌آموز پسر بودند. گروه گواه نیز یک کلاس ۲۰ نفره (۱۰ دانش‌آموز دختر و ۱۰ دانش‌آموز پسر) بود. برای اجرای این طرح پس از انتخاب دو کلاس درس که در دسترس بودند، به صورت تصادفی یکی از کلاس‌ها به عنوان گروه آزمایش و یکی از کلاس‌ها به عنوان گروه گواه در نظر گرفته شد. سپس از هر دو کلاس پیش‌آزمون در رشد اخلاقی به عمل آمد. پس از اجرای پیش‌آزمون، مداخله آزمایشی در گروه آزمایشی صورت گرفت. در این پژوهش گروه آزمایشی در طول دوره آموزشی طی ۱۰ جلسه از طریق خواندن داستان‌های فلسفی که مضمون اخلاقی دارند و بحث گروهی آموزش دیدند اما گروه گواه هیچ‌گونه آموزشی دریافت نکرد و فقط پیش‌آزمون و پس‌آزمون روی آن‌ها اجرا شد.

ابزار این پژوهش آزمون قضاوت اخلاقی سینها و وارما^۲ بود که بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۱، ساخته شد و در سال ۱۹۹۸ نیز مورد تجدید نظر آنان قرار گرفت، در ایران توسط کرمی (۱۳۷۹) به فارسی برگردانده شده است و برای ارزیابی قضاوت اخلاقی کودکان دوره ابتدایی به کار می‌رود. آزمون دارای ۵۰ سؤال چندگزینه‌ای است و آزمودنی باید درباره آن‌ها تصمیم اخلاقی بگیرد، زمینه کار

1. Story of philosophy

2. Synha & Warma

اخلاقی را در اظهار نظرها گروه‌بندی کند، میان کلمات و معنای اخلاقی رابطه برقرار نماید، در برابر مشکلات اخلاقی استدلال منطقی کند و تعاریف مناسب ارزش‌های اخلاقی را انتخاب نماید. برای هر پاسخ درست، یک نمره و برای هر پاسخ غلط صفر منظور می‌گردد. راهنماهایی که برای اجرای این آزمون تهیه شده است، ساده هستند و به صورت دستورالعمل، قبل از سؤالات هر بخش ارائه شده اند. مدت زمان پاسخ‌گویی کودکان به این سوالات ۴۵ دقیقه است. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه حاصل جمع تمام امتیازات سوالات را محاسبه کرده که این امتیاز دامنه ای از ۰ تا ۵۰ خواهد داشت. نمرات بالاتر به منزله میزان مهارت قضاوت اخلاقی بالاتر شخص پاسخ دهنده خواهد بود و برعکس. در پژوهش مرعشی، صفایی مقدم و خزامی (۱۳۸۹)، با اجرا بر روی یک نمونه ۶۰ نفری از افراد جامعه مورد بررسی، پایایی این آزمون معین شد. برای محاسبه ضریب پایایی از آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده گردید که به ترتیب ۰/۶۱ و ۰/۶۲ به دست آمد. این ضرایب به طور نسبی رضایت بخش است. همچنین، برای تعیین روایی پرسش‌نامه در پژوهش وی، از دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه استفاده شد. به همین منظور، پرسش‌نامه در اختیار چند تن از اساتید و متخصصان حوزه تعلیم و تربیت قرارگرفت که با صلاح‌دید آنان تعدادی از سؤالات اصلاح و برای اجرا آماده شد.

مداخله آموزشی: در این پژوهش از دو مجموعه داستان استفاده شد که عبارت‌اند از داستان‌های فکری ۱ (نوشته فلیپ کم) ترجمه فرزانه شهرتاش و مژگان رشتچی و کتاب داستان‌هایی برای فکر کردن (نوشته رابرت فیشر) ترجمه سید جلیل شاهی لنگرودی.

در این پژوهش، داستان‌های فلسفی، توسط معلم رسمی کلاس در ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه ای هر روز یک جلسه برای گروه آزمایش صورت پذیرفت. داستان‌ها، دارای مضمون فلسفی و اخلاقی بوده و به موضوعاتی هم‌چون راست‌گویی، درستی، احترام، خشم، خوبی و بدی و دزدی می‌پردازند. اهدافی که در این داستان‌ها در نظر گرفته شده است شامل اهداف آموزشی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی است. بدین معنا که کودکان در جریان کندوکاو فلسفی، علاوه بر مهارت‌های استدلال به پذیرش مسئولیت، احترام به دیگران و دیگر ارزش‌های اخلاقی نیز هدایت می‌شوند. به همراه این کتاب‌ها، یک راهنمای آموزشی برای معلم، درباره هر یک از داستان‌ها پیشنهاد شده که سوال‌های دانش‌آموزان را هدایت و یا زمینه بروز سؤال‌هایی را در ذهنشان فراهم می‌کند. در تمامی جلسات معلم داستان را برای دانش‌آموزان بازگو می‌کرد و بعد از آن سوالاتی را از دانش‌آموزان می‌پرسید تا ذهن آن‌ها را در موقعیت‌های تعارض‌آمیز مورد چالش قرار دهد و از دانش‌آموزان می‌خواست نظر خود را در موقعیت‌های مختلف بازگو نمایند و استدلالشان را برای آن عقاید بازگو کنند. همه دانش‌آموزان در بحث‌ها شرکت می‌کردند و معلم فقط وقتی بحث از محور خارج می‌شد دخالت کرده و بحث را به محور اصلی هدایت می‌کرد. در پایان جلسه معلم از داستان و فعالیت‌ها و سوالات نتیجه‌گیری اخلاقی می‌کرد.

جدول (۱) خلاصه جلسات ارائه داستان‌های فلسفی

جلسه	فعالیت	مضمون
اول	پیش‌آزمون	معارفه
دوم	چاقو	دزدی، دروغ‌گویی و دوستی
سوم	لیندا و کلارا	احساسات میان دوستان
چهارم	شبی زیر ستارگان	دوستی
پنجم	لانه پرنده	رعایت احساسات دیگران
ششم	خانه تو یا من؟	اعتماد، زشتی و زیبایی
هفتم	خیر در شر، شر در خیر- حکایت چینی	خیر و شر
هشتم	داستان گلرت از افسانه‌های ولز	خشم
نهم	بودا و قو- داستان بودایی	حقوق حیوانات
دهم	پس‌آزمون	نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار آماری spss در دو بخش آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد و آمار استنباطی شامل تحلیل کوواریانس یک متغیره (ANCOVA) انجام شده است.

یافته‌ها

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات قضاوت اخلاقی را در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل ارائه می‌دهد.

جدول (۲) میانگین و انحراف معیار نمرات قضاوت اخلاقی را در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل

گروه	آزمون	میانگین	انحراف معیار
گروه آزمایش	پیش‌آزمون	۳۳/۶۰	۶/۱۷
	پس‌آزمون	۳۵/۹۰	۶/۵۶
گروه گواه	پیش‌آزمون	۳۴/۱۰	۸/۱۴
	پس‌آزمون	۳۴/۳۰	۸/۲۵

میانگین نمرات رشد اخلاقی دانش‌آموزان نشان می‌دهد نمره پیش‌آزمون گروه آزمایش ۳۳/۶۰ و نمره پس‌آزمون آن‌ها ۳۵/۹۰ می‌باشد. هم‌چنین نمره پیش‌آزمون گروه گواه ۳۴/۱۰ و نمره پس‌آزمون آن‌ها ۳۴/۳۰ می‌باشد.

جهت بررسی فرضیه پژوهش حاضر بعد از اطمینان از رعایت پیش‌فرض‌های اساسی تحلیل کوواریانس از جمله مفروضه همگنی شیب‌های رگرسیون و همگنی اثرات تعاملی از تحلیل کوواریانس یک متغیره (ANCOVA) استفاده شد.

جدول (۳) نتایج تحلیل کوواریانس یک متغیره جهت بررسی تاثیر داستان‌های فلسفی به روش بحث-گروهی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب توان
قضاوت اخلاقی	۴۴/۰۶	۱	۴۴/۰۶	۱۷/۵۹	۰/۰۰۱	۰/۲۶

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که خواندن داستان‌های فلسفی به روش بحث‌گروهی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان تاثیر مثبتی دارد. زیرا مقدار $f=17.59$ در سطح $p<0.01$ معنادار می‌باشد بنابراین پاسخ سوال پژوهشی مثبت است و با توجه به میانگین‌های اصلاح شده دو گروه در نمرات رشد اخلاقی می‌توان استنباط نمود که خواندن داستان‌های فلسفی به روش بحث گروهی نسبت به روش سنتی در رشد اخلاقی دانش‌آموزان اثربخش‌تر است. زیرا میانگین اصلاح شده نمرات رشد اخلاقی در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل می‌باشد. هم‌چنین روش آموزشی قادر است ۲۶ درصد از تغییرات متغیر رشد اخلاقی را تعیین کند. مقدار توان آزمون ($1-\beta = 0.94$) نشان می‌دهد این آزمون توانسته است با توان بسیار بالایی فرض صفر غلط را رد کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که بازگویی داستان‌های فلسفی به روش بحث گروهی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر تاثیر دارد. این نتایج با یافته پژوهشگران پیشین که تحقیقات مشابهی انجام دادند از جمله التف و ریف (۲۰۰۸)، سنجانا و وایتبرید (۲۰۰۵)، رزنیس کایا (۲۰۰۳)، نویدیان، واحدی، فتحی‌آذر، بدری گرگری (۱۳۹۸)، خاکپور و مهرآفرید (۱۳۹۱)، مرعشی، صفایی مقدم و خزامی (۱۳۸۹) و شیخ‌رضایی (۱۳۸۹) هم‌سو و هم‌خوان است که تاییدی است بر نتیجه پژوهش حاضر.

این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از داستان با مضامین اخلاقی در برنامه درسی می‌تواند نقش به‌سزایی در پیشبرد تفکر کودکان داشته باشد. بنابراین باید به داستان به‌منزله یک ابزار آموزشی نگاه کرد و داستان‌خوانی را جزء برنامه‌های اصلی کودکان در مدارس قرار داد تا کودکان بتوانند از طریق گفت‌وگو در مورد آنها قدرت تفکر خود را بالا ببرند. نکته دیگر که باید به آن توجه

کرد این است که استفاده از بحث گروهی راه تعامل بزرگسالان با کودکان و کودکان با کودکان را هموار می‌کند، و در عین افزایش قدرت تفکر، آنها را با رفتارها و مسائل اجتماعی آشنا می‌سازد. آموزش فلسفه برای کودکان از طریق داستان‌های فلسفی زمینه‌سازی برای رشد عقلی و برهانی ذهن کودک است تا مهارت‌های تفکر عقلانی و استدلال را به صورت عملی و کاربردی یاد بگیرند و بتوانند در هر شغل، مقطع تحصیلی و موقعیت اجتماعی از آن استفاده کنند و اگر روش آموزش منطقی و عقلانی از همان کودکی به افراد یاد داده شود، در بزرگسالی مهارت‌های عقلانی و خردورزی را برای زندگی سالم اجتماعی و فردی کسب خواهند کرد و تحت تأثیر احساسات، شایعات و تبلیغات بی پایه و اساس قرار نخواهند گرفت و افراد مفید و سودمندی برای جامعه خود خواهند بود. در صورت تربیت و تحقق این نوع افراد، جامعه‌ای کاوشگر، عقلانی، فعال، خلاق، جست‌وجوگر، تحلیل‌گر، تسهیل‌گر، دارای انضباط اخلاقی و اجتماعی و یادگیری مشارکتی شکل گرفته و نهایتاً رسیدن به وضعیت جامعه طبیعی خواهد بود. با توجه به نتایج مطالعات انجام شده می‌توان بر لزوم بازنگری در استراتژی‌های آموزشی فعلی جهت بهبود تحول اخلاقی و خود مهارگری والدین و دانش‌آموزان تأکید کرد. به خصوص دانش‌آموزان امروز یا به عبارتی معلمان فردا را آماده نمود تا مهارت اندیشیدن، قضاوت و در نتیجه تفسیر، تجزیه و تحلیل و استنباط را یاد بگیرند.

درگیر شدن با داستان‌های فلسفی و تفکر برانگیز باعث می‌شود تا به‌جای حافظه‌پروری، قدرت تفکر و تعمق دانش‌آموزان پرورش یابد و با نقد و تحلیل دانش و اطلاعات کسب شده از محیط و کتب آموزشی، سازمان ذهنی خود را سامان بخشیده و هر نظر و عقیده‌ای را به‌راحتی نپذیرند، قدرت نقد پیدا کنند و افکارشان منطبق بر واقعیات و اصول علمی سازمان یابد، آموزش فلسفه و روش فلسفیدن به کودکان می‌آموزد که عقاید خود و دیگران را به چالش کشیده و به‌راحتی اسیر افکار و باورهای خرافه‌گونه نشوند، افکار خود را بازبینی و کنترل کنند، نگرانی‌های بیجا در مورد افکار نداشته باشند و قادر شوند افکار منفی و مزاحم را از خویش دور کنند و نهایتاً مسئولیت افکار و باورهای خود را بپذیرند.

مواجه شدن دانش‌آموزان با موقعیت‌های مبهم در داستان‌هایی که بازگو می‌شود، زمینه را برای کشف عقاید و فرضیه‌های متعدد به صورت راه‌حل‌های حدسی فراهم می‌کند. آن‌ها ضمن خواندن داستان‌ها در می‌یابند، مسائلی وجود دارد که باید برای آن‌ها راه‌حلی پیدا شود. آن‌ها فرا می‌گیرند که اطلاعات را سازماندهی کنند و از درون آن‌ها فرضیه‌های مناسب را پیش‌بینی و استخراج کنند. در این فرایند به کودک کمک می‌شود که در جریان پیش‌بینی به درک روابط همبستگی و روابط علی نیز، برسد.

هم‌چنین در جریان گفت‌وگوهای کلاسی، کودکان با ملاحظه حقوق دیگران به تعامل و تفاهم با دیگران نیز، آشنا می‌شوند. آنان متوجه می‌شوند که دیگران نیز حق دارند فرضیه ارائه دهند و به اظهار عقاید بپردازند. بنابراین در این جریان، آنها یاد می‌گیرند که از تک قطبی کردن گفت‌وگوها خودداری

کنند، به هنگام اظهار نظر دیگران سکوت کنند، به عقاید آنها گوش فرا دهند و در نهایت برای احترام گذاشتن به آنان به عنوان اعضای یک جامعه، ارزش قائل شوند. بروز این نوع رفتارها، نشان‌دهنده خود محورزدایی و توجه به دیگران است و همه این موارد، نشان از رشد اخلاقی و رشد شخصیت آنها بطور فعال و بستر ساز توسعه اجتماعی آنهاست. یکی از اصولی که در بحث گروهی به خوبی تمرین می‌شود، استفاده از استدلال‌های منطقی است که در نهایت کودک را به سوی خودتصحیحی، مرکزیت‌زدایی و قضاوت صحیح سوق می‌دهد. دیگری نیز، گسترش فرهنگ گفت‌وگو و اجرای آزاداندیشی است؛ مهارتی که نه تنها منجر به پویایی فرد در گروه می‌شود، بلکه باعث می‌شود که کودکان بلندنظری، دیگرپذیری، پذیرش آرای مخالف، سعه صدر و ... که همگی بیان‌گر فضائل اخلاقی هستند را در خود پرورش دهند. از این‌رو، می‌توان ادعا نمود که بازگویی داستان‌های فلسفی به روش بحث گروهی یکی از مناسب‌ترین روش‌های تربیت است که منجر به تربیت شهروندان آگاه، فکور و مسئول است و شرایط زندگی در یک جامعه سالم و پویا را فراهم می‌نماید و این راهی است به سوی رشد اخلاقی.

با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق و نیز تأثیرات مثبت برنامه آموزش فلسفه برای دانش‌آموزان بر رشد قضاوت اخلاقی کودکان، به نظر می‌رسد این برنامه می‌تواند بر اصلاح ساختار نظام آموزشی، تأثیر مثبت داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد معلمان و آموزگاران محترم زمانی از کلاس را برای آموزش اصول اخلاقی از طریق داستان‌های فلسفی اختصاص دهند و همچنین به مسولین آموزش و پرورش توصیه می‌شود در هفته ساعتی از زمان رسمی تدریس را به این منظور جهت ارتقای تفکر و تامل و در نتیجه رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان در نظر بگیرند.

منابع

- اکبری، احمد؛ خالق خواه، علی. (۱۳۹۲). رویکرد بومی به فلسفه برای کودکان مبتنی بر نسخه‌های موجود. *فصلنامه کودک و فلسفه*. ۱ (۲): ۴۹-۶۰.
- جعفری، زهره؛ صمدی، پروین؛ قائدی، یحیی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی. *مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی*، ۱۷ (۴۴): ۴۱-۴۹.
- خاکپور، مسعود؛ مهرآفرید، معصومه. (۱۳۹۱). قضاوت اخلاقی کودکان پیش دبستانی پنج و شش ساله. *دو فصلنامه تفکر و کودک*. ۳ (۱): ۱-۱۴.
- رشتچی، مژگان و کیوانفر، ارشیا. (۱۳۸۸). مبانی نظری اجتماع کندوکاو به عنوان روش آموزش فلسفه به کودکان، *فصلنامه فرهنگ*. ۲۲ (۱).
- رشتچی، مژگان. (۱۳۸۹). ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر. *دو فصلنامه تفکر و کودک*، ۱ (۲): ۲۳-۳۷.

- زندگی‌پور، طیبه و ژیان‌باقری، معصومه. (۱۳۸۵). نقش داستان‌درمانی به روش مشاوره گروهی بر رشد استدلال اخلاقی دختران نوجوان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران. دانش و پژوهش در روان‌شناسی. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. ۸ (۳۰): ۸۷-۱۰۴.
- شوشتری، اکرم؛ صفایی‌مقدم؛ مسعود؛ مرعشی، منصور. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی آراء ژان پیاژه و میتو لپیمن با تاکید بر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد. ۳(۱): ۲۶-۵.
- شیخ‌رضایی، حسین، (۱۳۸۹). رشد اخلاقی کودک و ادبیات داستانی به همراه بررسی آثار داستانی جمشید خانیان از منظر رشد اخلاقی. دو فصلنامه تفکر و کودک، ۱ (۱): ۶۷-۳۷.
- عسگری، محمد؛ دیناروند، حسن و ترکاشوند، محمدرضا. (۱۳۹۴). تاثیر آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر منطقی دانش‌آموزان دختر و پسر سوم راهنمایی منطقه سامن. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۱ (۳۵): ۲۵-۴۱.
- فلاح مهنه، تورج؛ یمینی محمد و مهدیان، حسین. (۱۳۹۷). تاثیر رویکرد محتوایی آموزش فلسفه برای کودکان بر باورهای فراشناختی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان ابتدایی. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۴۲: ۱۵۷-۱۷۲.
- فیشر، ابرت (بی تا). داستان‌هایی برای فکرکردن، ترجمه سید جلیل شاهی لنگرود (1386)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کم، فلیپ. (1993). داستان‌های فکری، جلد ۱، ترجمه فرزانه شهرتاش و مژگان رشتچی (1379)، تهران: انتشارات آموزشی شهرتاش.
- کوکبی، مرتضی؛ حری، عباس؛ مکتبی فرد، لیلا. (۱۳۸۹). بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های کودکان و نوجوانان. مجله علمی و پژوهشی مطالعات ادبیات کودک ۱ (۲): ۱۵۷-۱۹۲.
- مرز، فریبرز، اسدزاده، حسن، درتاج، فریبرز، بهشتی، سعید و معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۷). طراحی برنامه آموزش فلسفه برای والدین و اثربخشی آن با برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در تحول اخلاقی و خود مهارگری دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی. دوماهنامه علمی-پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۵ (۱۱): ۱۴-۲۴.
- مرعشی، سید منصور، صفایی‌مقدم، مسعود، خزامی، پروین، (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع‌پژوهشی، بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز، تفکر و کودک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱ (۱): ۸۳-۱۰۲.
- مکتبی‌فرد، لیلا. (۱۳۸۹). سیر تحول و شکل‌گیری مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های تالیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان. دو فصلنامه تفکر و کودک، ۱ (۱): ۱۰۳-۱۲۴.
- نوروزی، رضا علی؛ درخشنده، نگین. (۱۳۸۶). بررسی کار فلسفی با کودکان از دیدگاه دانش‌آموزان مدارس شهر اصفهان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. ۶ (۲۳): ۱۴۶-۱۲۳.

نویدیان، انور؛ واحدی، شهرام؛ فتحی‌آذر، اسکندر و بدری گرگری، رحیم. (۱۳۹۸). تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستان‌های بومی در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی. *فصلنامه علمی تدریس پژوهی*. ۷ (۳): ۱۸-۱.

هدایتی، مهرنوش. (۱۳۹۰). فلسفه برای کودکان و کنترل پرخاشگر. *تفکر و کودک*. ۲ (۳): ۱۳۴-۱۰۹.

Barrow, W. (2015). 'I think she's learnt how to sort of let the class speak': Children's perspectives on Philosophy for Children as participatory pedagogy. *Thinking skills and creativity*, 17, 76-87.

Burdick-Shepherd, S. A. (2014). *Reading For Childhood in Philosophy and Literature: An Ethical Practice For Educators*. Columbia University.

Di Masi, D., & Santi, M. (2016). Learning democratic thinking: a curriculum to philosophy for children as citizens. *Journal of Curriculum Studies*, 48(1), 136-150.

Funston, J, & Sager, A. (2017). Toward a Critical Philosophy for Children. *PSU McNair Scholars Online Journal*, 11(1), 41-59.

Hayhoe, S. (2014). Does philosophy disable?: the epistemological model of disability, and the influence of the process of knowledge construction on people with impairments.

Jacquart, M., & Wright, J. (2017). Teaching Philosophy Graduate Students about Effective Teaching. *Teaching Philosophy*.

Jevtić, B. (2014). Moral judgement of delinquents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 149, 449-455.

Karadağ, F., & Demirtaş, V. Y. (2018). The Effectiveness of The Philosophy with Children Curriculum on Critical Thinking Skills of Pre-School Children. *Education & Science/Egitim ve Bilim*, 43(195).

May, J., Workman, C. I., Haas, J., & Han, H. (2022). The neuroscience of moral judgment: empirical and philosophical developments., 1-23.

Murris, K. (2016). The Philosophy for Children curriculum: Resisting 'teacher proof' texts and the formation of the ideal philosopher child. *Studies in Philosophy and Education*, 35(1), 63-78.

Musbah, A.Y.S. (2015). *The Role of Individual Variables, Organizational variables, and Moral Intensity Dimensions in Accountants' Ethical Decision Making: A Study of Management Accounting in Libya*. Thesis Degree of Doctor of Philosophy. University of Huddersfield Business School

Naji, S. (2017). Philosophical Inquiry for Children and Adolescents: An Interview with new revolutionary vanguard in education. *Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies*.

Olthof, T., Rieffe, C., Terwogt, M. M., Lalay-Cederburg, C., Reijntjes, A., & Hagenaar, J. (2008). The assignment of moral status: Age-related differences in the use of three mental capacity criteria. *British journal of developmental psychology*, 26(2), 233-247.

Opotow, S. (2007). Moral exclusion and torture: The ticking bomb scenario and the slippery ethical slope. *Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology*, 13(4), 457-461.

Passini, S. (2010). Moral reasoning in a multicultural society: Moral inclusion and moral exclusion. *Journal for the Theory of Social Behaviour*, 40(4), 435-451.

- Reznitskaya, A. (2003). Philosophical Discussions in Elementary School Classrooms: Theory, Pedagogy, Research. *Philosophical Discussions in Elementary School Classrooms: Theory, Pedagogy, Research*. Montclair State University, New Jersey, USA.
- Sanjana, M., & Whitebread, D. (2005). Philosophy for children and Moral Development in the India context. *Cambridge University*, 21(3), 1-13.
- Topping, K. J., & Trickey, S. (2014). The role of dialog in philosophy for children. *International Journal of Educational Research*, 63, 69-78.

